

درس فراج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مسئله اول

تاریخ: ۱۲ دی ۸۹

موضوع جزئی: بررسی ادله منع از احتیاط

مصادف با: ۲۷ محرم الحرام ۱۴۳۱

جلسه: ۴۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در دلیل ششمی بود که برای منع از احتیاط و عمل بر اساس احتیاط اقامه شده بود. اساس این دلیل یک تفصیلی است که مرحوم آقای نائینی دادند. در این تفصیل ایشان میفرمایند که اگر در یک عبادتی ما یقین داشته باشیم امری از ناحیه خداوند آمده باشد اما نمیدانیم این عنوان وجوب دارد یا استحباب در اینجا بخاطر علم و یقین به اصل تعلق امر، احتیاط امکان دارد. ولی در جایی که اصل تعلق امر برای ما معلوم نیست و نمیدانیم از ناحیه خداوند امری آمده یا نیامده، در این صورت احتیاط امکان ندارد. پس تفصیل بین جایی است که اصل محبوبیت و طلب محرز شده باشد و جایی که این محبوبیت و طلب محرز نشده باشد. ایشان میگویند در صورت اول احتیاط جایز است و در صورت دوم احتیاط جایز نیست. این اصل تفصیل مرحوم آقای نائینی بود.

مبنای تفصیل مرحوم نائینی:

اما مبنای این تفصیل در واقع این است که امتثال اجمالی در رتبهی بعد از امتثال تفصیلی است یعنی این دو امتثال در طول هم نیستند. در جایی که امتثال تفصیلی ممکن باشد نوبت به امتثال اجمالی نمیرسد و رتبه آن متأخر از امتثال تفصیلی میباشد. آخر کلامشان مرحوم آقای نائینی ادعا میکنند که انصاف این است که در شبهات موضوعیه و حکمیه در صورتی که تمکن از ازاله شبهه باشد اگر کسی ادعای قطع بکند که رتبهی امتثال تفصیلی بر امتثال اجمالی مقدم است، این ادعای گزارف نیست. ببینید در جایی که شبهه باشد چه موضوعیه و چه شبهه حکمیه و تمکن از ازاله شبهه هم باشد، میگوید اگر کسی ادعای قطع و یقین بکند که رتبهی امتثال تفصیلی مقدم است و با امکان امتثال تفصیلی نوبت به امتثال اجمالی نمیرسد این ادعا گزارف و مبالغه آمیز نیست.

حالا عمدهی بحث در این است که چرا رتبهی امتثال اجمالی مؤخر از امتثال تفصیلی میباشد؟ همه پایه و رکن دلیل ششم این مسئله است و تفصیل مرحوم نائینی بر همین استوار است. این برمیگردد به حقیقت اطاعت و امتثال، مرحوم آقای نائینی معتقد است که از نظر عقل حقیقت اطاعت و امتثال عبارت است از انبعاث از بعث مولی یعنی کسی که میرود و میخواهد دستور آمر و مولی را اطاعت بکند در واقع این با بعث مولی منبعث شده و از تحریک مولی و از هل دادن اعتباری مولی منبعث شده، پس انبعاث از بعث مولی یعنی تحریک شدن بواسطه تحریک کردن مولی به گونهای که انگیزهی این عامل برای انجام عمل، امر

مولی و تعلق امر مولی به آن عمل است. نگاه میکند و میبیند که این عمل عنوان امر مولی به آن تعلق پیدا کرده است از بعث و امر مولی تحریک میشود و میرود به سمت انجام عمل. پس حقیقت امتثال از نظر عقل عبارت است از انبعاث ناشی از بعث.

آن وقت با عنایت به اینکه حقیقت امتثال این است، ایشان میگوید: در امتثال تفصیلی این حقیقت تحقق پیدا میکند و در امتثال اجمالی این حقیقت پیدا نمیشود. برای اینکه میگویند در امتثال اجمالی یعنی آنجایی که در واقع نمیداند امر متعلق به فرد اول شده یا فرد دوم، علم به اصل تعلق امر دارد اما نمیداند به کدام فرد متعلق شده است، کسی که میخواهد امتثال اجمالی بکند آیا میشود گفت انبعاث ناشی از بعث پیدا کرده است؟ چون یقین به بعث ندارد، یقین ندارد بعث به فرد اول تعلق گرفته است. یقین ندارد بعث و امر به فرد دوم تعلق گرفته است.

لذا آنچه که وجود دارد انبعاث ناشی از احتمال بعث میباشد، در امتثال اجمالی انبعاث ناشی از بعث تحقق پیدا نمیکند و آنچه که وجود دارد انبعاث ناشی از احتمال بعث میباشد. یعنی این شخص عامل چون احتمال میدهد امر به نماز ظهر متعلق شده باشد، احتمال میدهد امر به نماز جمعه متعلق شده باشد. پس اگر میرود نماز جمعه را انجام میدهد و نماز ظهر را انجام می دهد امتثال اجمالی میکند و احتیاط میکند در واقع دارد با احتمال بعث منبعث میشود پس در واقع این امتثال اجمالی امتثال نیست. در امتثال تفصیلی در آنجایی که دلیل مشخصاً آمده و بیان کرده حکم را انبعاث و تحریک او و رفتن به سوی انجام عمل، ناشی از بعث میباشد. در آنجا دلیل را دیده و مطمئن است که امر به نماز جمعه متعلق شده پس انبعاث او ناشی از خود بعث است. لذا در امتثال تفصیلی میگویند حقیقت امتثال محقق است ولی در امتثال اجمالی واقعیت امتثال از نظر عقل محقق نیست.

اگر امر بین این دو مرد بود و دو راه برای ما باز باشد که هم بتوانیم امتثال اجمالی کنیم و هم امتثال تفصیلی، عقل ما چون حقیقت امتثال را انبعاث ناشی از بعث میداند نه انبعاث ناشی از احتمال بعث، عقل میگوید که اگر بخواهی امتثال تحقق پیدا بکند و ذمها برت شود امتثال تفصیلی را باید مقدم بداری بر امتثال اجمالی.

ببینید مسئله این است که همین عقل در جایی که امتثال اجمالی هم صورت میگیرد نمیگوید که این فایدهای ندارد و انبعاث ناشی از احتمال بعث فایده ندارد بلکه همین عقل میگوید که این انبعاث ناشی از احتمال بعث هم امتثال است ولی در رتبه بعد از انبعاث ناشی از خود بعث. پس اگر این دو راه در پیش روی ما ممکن باشد تا مادامی که بشود از خود بعث منبعث شد از نظر عقل در مکان و رتبه بعد قرار میگیرد. این محصل فرمایش مرحوم نائینی بود که بیان کردیم.

پس به نظر ایشان رتبه امتثال تفصیلی نسبت به امتثال اجمالی مقدم است. بعد مرحوم آقای نائینی در خاتمه بیانشان می فرمایند: که نهایت این است که اگر ما شک بکنیم که آیا با تمکن از امتثال تفصیلی میتوانیم امتثال اجمالی بکنیم یا نه؟ در اینجا به اصالة الإشتغال رجوع میکنیم. یعنی فرضاً کسی که هم امتثال تفصیلی میتواند بکند و هم امتثال اجمالی، اگر احتیاط کرد و امتثال اجمالی کرد شک میکند که آیا با امتثال اجمالی نسبت به تکلیفی که یقیناً بر او ثابت بوده بری الذمه شده یا نشده است؟ اشتغال یقینی مستدعی فراغ یقینی است در اینجا چون اصل تکلیف به گردن او ثابت شده الآن با امتثال اجمالی

شک میکند که تکلیف از دوش او برداشته شد یا نه؟ چون این مورد از موارد دوران بین تعیین و تخییر است و در این مورد اصل اشتغال جاری میشود یعنی میگوییم هنوز تکلیف به عهده او باقی است و باید کاری کند که یقین به فراغ ذمه پیدا کند و راه یقین به فراغ ذمه عدم اکتفاء به امتثال اجمالی و احتیاط میباشد.

نتیجه: نتیجه‌های که این سخن دارد این است: عبادت کسی که طریق اجتهاد و تقلید را ترک کند و احتیاط کند باطل است. البته چند نکته در مورد این تفصیل وجود دارد که عرض خواهیم کرد.

نکته اول:

گرچه در بعضی از تقریرها از فرمایش مرحوم نائینی به گونه‌ای تقریر شده که این بیان و این دلیل تقریباً عام میباشد، هم شامل جایی که مستلزم تکرار است و هم شامل جایی که احتیاط مستلزم تکرار نباشد میشود و البته در این تقریر تأکید می‌کنند خصوصاً در جایی که مستلزم تکرار باشد، اما آنچه که از فرمایشات خود مرحوم نائینی در فوائد الاصول بدست می‌آید این است که ایشان این بیان و این استدلال را فقط در یک مورد ذکر میکنند یعنی این دلیل در یک صورت از آن سه صورت جریان دارد و آن هم جایی که تمکن از امتثال تفصیلی باشد و احتیاط مستلزم تکرار باشد. و اصلاً خود ایشان تصریح میکنند که در جایی که احتیاط مستلزم تکرار نباشد هیچ مشکلی برای امتثال اجمالی نیست.

توضیح مطلب: میفرمایند که اگر احتیاط مستلزم تکرار عمل باشد در واقع همان مشکل تحقق امتثال واقعی از نظر عقل پیش می‌آید چون از یک طرف امکان امتثال تفصیلی دارد و میتواند از خود بعث منبعث شود و از طرف دیگر در امتثال اجمالی شک دارد و انبعاث ناشی از احتمال بعث میباشد.

اما اگر مردد بین اقل و اکثر باشد و احتیاط مستلزم تکرار نباشد مثلاً شک میکند در اینکه سوره به عنوان جزء دهم برای نماز محسوب میشود یا نه؟ میفرمایند که در اینجا بر فرض تمکن از ازاله شبهه و تمکن از امتثال تفصیلی اگر بخواهد احتیاط کند هیچ مشکلی ندارد. برای اینکه در اینجا زمانی که میخواهد نماز را شروع کند این عمل را به قصد امتثال تفصیلی انجام می‌دهد چون غیر از این عمل واحد، عمل دیگری وجود ندارد و میداند نسبت به این عمل بعث وجود دارد و انبعاث در اینجا ناشی از خود بعث است نه احتمال بعث. اگر در جزء دهم یعنی سوره شک میکند که این هم جزء نماز هست یا نیست در اینجا لازم نیست نسبت به آن جزء دهم بخصوص بعث را بداند. آنچه که برای انبعاث نسبت به یک عمل لازم است این است که بعث نسبت به اصل عمل باشد اما نسبت به اجزاء، دیگر لازم نیست نسبت به هر جزئی منبعث شود.

لذا ایشان معتقد است که چون نسبت به اصل عمل در جایی که احتیاط مستلزم تکرار نیست یقین دارد که امر متعلق شده ولو اینکه نسبت به آن جزء علم ندارد و امر به جزء را نمیداند همین کافی است برای اینکه انبعاث از خود بعث داشته باشد یعنی با امتثال تفصیلی هیچ فرقی از این جهت ندارد. نتیجه اینکه این استدلال فقط در یک صورت از صور سه گانه جاری میباشد.

نکته دوم:

نکته دوم درباره این تفصیل اشاره به فرق این دلیل با دلیل دوم یعنی اخلال به قصد وجه و تمییز است. آیا این دلیل با دلیل دوم فرق میکند؟ به نظر می‌آید که این دلیل غیر از دلیل دوم است. در دلیل دوم برای عدم جواز عمل بر اساس احتیاط

استدلال میشد به اینکه احتیاط موجب میشود نسبت به قصد وجه و تمیز اخلال شود. آنچه که در اینجا به عنوان تفصیل مطرح است و در حقیقت روح این دلیل را تشکیل میدهد مسئله تأخر رتبهی امتثال اجمالی از امتثال تفصیلی است. این ربطی به قصد وجه و تمیز ندارد. این دلیل مبتنی بر این است که حقیقت امتثال یعنی انبعاث ناشی از بعث نه انبعاث ناشی از احتمال بعث لذا اگر به خاطرتان باشد در دلیل قبلی عرض کردیم که اگر شک کرد در صدق اطاعت موجب میشود رجوع به اصالة الإشتغال بکنیم. گفتیم آن دلیل طبق یک بیان به همین دلیل ششم برگشت میکند برای اینکه در آنجا هم ما این را میگفتیم که اگر مثلاً این شخص امتثال اجمالی بکند چون قصد وجه و تمیز ندارد شک میکند صدق اطاعت میکند یا خیر؟ و در شک صدق اطاعت رجوع به اصالة الإشتغال میکنیم. پس مسئله تأخر رتبه امتثال اجمالی از امتثال تفصیلی مبنای این دلیل است لذا با دلیل دوم که اخلال به قصد وجه را به عنوان نتیجه احتیاط و امتثال اجمالی ذکر میکند، تفاوت دارند.

مثال: در اینجا مثلاً اگر کسی شک بکند در وجوب وضو بعد از غسل غیر جنابت که آیا در اینجا وضو واجب است یا نه؟ اینجا در واقع شک دارد که امری متعلق به این وضو شده یا نشده است، لذا در اینجا چون وضو یک فعل عبادی است و در فعل عبادی، قصد قربت معتبر است بنابراین اگر شک بکنیم در اینکه امری به آن متعلق شده یا نه، جای احتیاط نیست. یا امتثال تفصیلی و علم به مأموریه وجود دارد و امکان دارد که به آن عمل میکنیم یا امکان امتثال تفصیلی و پیدا کردن علم و یقین به مأموریه نیست و از این دو حال خارج نیست. اگر بشود علم پیدا کند در اینجا گفتهاند که احتیاط نمیتواند کند و نمیتواند وضو بگیرد احتیاطاً، در دلیل دوم در واقع مسئله اخلال قصد وجه و تمیز است. ولی در اینجا در واقع قصد وجه و تمیز معتبر نیست یعنی کاری به اعتبار آن نداریم و بحث در این است که حقیقت امتثال تحقق دارد یا خیر؟

نکته سوم:

نتیجه این مبنای آقای نائینی این است که کلاً عمل عبادی به عنوان رجا اصلاً مشروعیت ندارد و کسی نمیتواند یک عمل عبادی را احتیاطاً و رجاء انجام بدهد و مشروع نیست.

بررسی دلیل ششم:

آیا این دلیل قابل قبول هست نه؟ اشکالات متعددی بر این دلیل وارد شده که بخش عمدهای از این اشکالات به مبنای این تفصیل است و تمام مشکل در این است که این دو امتثال را در طول هم میداند. این را مرحوم نائینی مبتنی کردند به اینکه از نظر عقل حقیقت امتثال عبارت است از امتثال ناشی از بعث نه انبعاث ناشی از احتمال بعث و انبعاث ناشی از احتمال بعث امتثال نیست.

عمده اشکالات بر این اساس است که بگویند که امتثال اجمالی در عرض امتثال تفصیلی میباشد و بگویند که این چنین نیست که بعث در اینجا ناشی از احتمال بعث باشد. جوابها و اشکالاتی در اینجا مطرح است که به نظر ما بعضی از این اشکالات بر این دلیل وارد نیست و برخی از آنها وارد است که ان شاء الله بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»